

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صد و پانزدهم، ۱۷ خرداد ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بوس) / مسائل بانکی / ادله ضرورت بانک

### 1- حدیث اخلاقی (گام‌ها و منازل سیر و سلوک در خطبه متقین)

«قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ، وَشُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ، وَأَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ، وَحَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ، وَأَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ [1].»

در خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه‌ی شریف، خطبه معروف به متقین در اوصاف سالکان و پرهیزکاران بودیم که به فرموده حضرت امیر مؤمنان (علیه‌السلام) اوصافی را نقل کردیم. در این بیان، حضرت اوصاف دیگری را نقل می‌کنند:

#### 1.1- منزل بیست و پنجم: حزن قلبی

«قلوبهم محزونة»؛ دلشان غمناک است، ولی ظاهرشان هیچ غمی نشان نمی‌دهد؛ «بُشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ [2]». «امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «الحزن من شعار العارفين [3]». «شعار انسان‌های عارف، حزن و خوف و خشیت از حضرت حق است و این باعث می‌شود همیشه به یاد حضرت حق باشند». «لو حجب الحزن عن قلوب العارفين ساعة لاستغاثوا [4]». «اگر لحظه‌ای حزن از دلشان برود، فریادشان بلند می‌شود. دعای قنوت نماز وتر امام سجاد (علیه‌السلام)، معروف به دعای حزین است. انسان حزن‌ناک و سالک، همیشه حزن دارد». «أناجيك يا موجود في كل مكان لعلك تسمع ندائي»؛ [5] چقدر فرمایش حضرت، عالی است. حزن از انسان عارف گرفته نمی‌شود. این حزن هم با آیه ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾، [6] منافات ندارد؛ چرا که متقین، نسبت به گذشته پشیمان نیستند و نسبت به آینده خوفناک و نگران نیستند.

#### 1.2- منزل بیست و ششم: ایمنی دیگران از شر متقین

«و شرورهم مأْمونة»؛ زشتی‌ها و بدیهای متقین به دیگران نمی‌رسد. بدی ندارند. دیگران از شر آنها در امنیت هستند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «إن شر الناس منزلة عند الله يوم القيامة من يخاف الناس شره»؛ [7] بدترین مردم روز قیامت کسانی هستند که مردم از شر آنها در امان نیستند. سالکان شری ندارند که به دیگران برسد. در مسیر خوبی‌ها هستند.

#### 1.3- منزل بیست و هفتم: چابکی جسمانی

«أجسامهم نحيفة»؛ نحیف در فارسی به معنای لاغر مردنی معنا می‌کنند؛ کسی که مانند نی شده است. نحیف در اینجا، یعنی چابک بودن. یک زرنگی و تیزروی در انجام وظایف دارند. لاغری، به معنای چابکی و تیزهوشی است. سرعت در انجام وظایف است. ساختمان جسمانی آنها این طور است که آماده برای انجام وظایف هستند.

#### 1.4- منزل بیست و هشتم: کم بودن نیازهای آنها به دیگران

«و حاجاتهم خفيفة»؛ اینها نیازهایشان بسیار اندک است. زیاده‌خواه نیستند. خفیف‌المئونة هستند و کثیر المعونة. کمک کردن‌شان زیاد است، ولی مئونه زندگی‌شان، ساده است. امام صادق (علیه‌السلام) وارد حمام شدند حامی از حضرت اجازه خواست حمام را قُرق کند، ولی حضرت اجازه نداند و فرمودند: «إن المؤمن خفیف المئونة [8]». «متقین با کمترین نیازهای دنیایی زندگی می‌کنند، ولی بیشترین بهره‌ها را می‌برند.

#### 1.5- منزل بیست و نهم: عفت نفس و پاک‌دامنی

«و أنفسهم عفيفة»؛ خصلت پنجم در اینجا این است که اینها پاکدامن هستند. معصوم نیستند، ولی عفیف هستند که تالی‌تلو عصمت است. در فرمایش امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج البلاغه است که «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَتْ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ»؛ [9] مجاهد فی سبیل‌الله ثوابش بیشتر از عفیف نیست که می‌تواند گناه کند و پاکدامن است. نزدیک است پاکدامن، فرشته باشد. باید بکوشیم ان‌شاء‌الله اوصاف انسان‌های با تقوا را در زندگی پیاده کنیم. ان‌شاء‌الله به جایی برسیم که دل‌های ما پاک باشد. انسان سالک از آلودگی به دور است. رزقنا‌الله‌اینا وایاکم.

#### 2- خلاصه جلسه گذشته

بحمدالله در مباحث بورس به اینجا رسیدیم که معاملات، به خصوص در بورس نباید ربوی باشد. ربای در معاملات و ربای قرضی داشتیم. به این نتیجه رسیدیم که اقتصاد اسلامی باز است، نه بسته و خمود و جمود. نظام اقتصادی اسلام، زنده و پر سود است. بر عکس عده‌ای که نظام اقتصادی اسلام را بد و بسته جلوه می‌دهند، ما عرض می‌کنیم اقتصاد اسلام، باز است. اگر شارع معامله ربوی را حرام کرده است، راه‌های بهتر از ربا را باز کرده است. راه‌های برون‌رفت از ربا را هم گفتیم.

گفتیم ارزش پول‌های امروز، ذاتی نیست، بر خلاف مبادلات گذشته که بر اساس ارزش ذاتی طلا و نقره بود. ارزش بازاری هم داشتند و این دو ارزش ذاتی و بازاری، شاید یکی بود. پول در زمان قدیم با پول امروز فرق دارد. پول امروز ارزشش اعتباری است و منشأ اعتبارش هم، طلا

و نقره نیست که همان حکم طلا و نقره را داشته باشد، مانند معاملات صرف. لذا پول را تخصصاً خارج از معاملات ربوی دانستیم؛ چرا که معدود است، نه مکیل و موزون که ربا در آن بود. نسبت به قرض هم ربای قرضی داریم، ولی راه‌های برون‌رفت برای آن هم محضرتان تقدیم شد. بعضی از راه‌های برون‌رفت از ربای قرضی مانند: مشارکت، صلح، اجاره و دین را گفتیم.

### 3- بحث جدید: بانک

جایی که بیشتر ربا در آن است، بانک است. باید اشاره‌ای به بحث بانک در اسلام داشته باشیم. بانک و بنک، یعنی جایی که برای معامله روی نیمکت‌هایی می‌نشستند [10]. و بعد این نام بانک برای جایی که محل دریافت و پرداخت وام و معاملات مختلف است، عَلم شد. بانکداری جزء لاینفک زندگی مردم است. در دنیای امروز اقتصاد بدون بانک معنا ندارد. زندگی بشر بدون آن اداره نمی‌شود. در ضرورت آن شکی نیست. در اینکه بیشتر بده‌بستان‌های بانک‌ها غیر مشروع است، شکی نیست؛ به خصوص بانک‌های جهانی. بیشتر آنها بر اساس سودهای ربوی است که جزو خط قرمزهای معاملات اسلامی است. با توجه به دقت‌هایی که داشتیم به این نتیجه رسیدیم که بانک، جزو ضرورت‌های زندگی مردم است، ولی باید بانک اسلامی باشد. روش بانک اسلامی چه باید باشد که ربا در آن رخ ندهد. تقاضا دارم مسئولان امور بانکی و اقتصادی، این مباحث را با دقت دنبال کنند.

### 4- ادله ضرورت بانک در عصر حاضر

#### 4.1- دلیل اول: حفظ اموال مردم

نخستین امری که ضرورت بانک‌ها را روشن می‌کند، این است که بانک، جای مطمئنی برای حفظ پول مردم است. زمان قدیم به خاطر ثروت‌های کلان که تاجرها برای معاملات می‌بردند، یکی از شغل‌های نامشروع که رایج بود، دزدی و راهزنی از قبایل و افراد بود. با وجود بانک، این راهزنی تقریباً به صفر رسیده است. از فلسفه‌های بانک، حفظ اموال مردم است.

#### 4.2- دلیل دوم: آسان شدن نقل و انتقالات مالی

دلیل دوم برای ضرورت بانک این است که بانک‌ها وسیله خوبی برای نقل و انتقال‌های مالی در بازارها هستند. زمان‌های گذشته از اموری که خیلی ناامنی به وجود می‌آورد، نقل و انتقالات سرمایه‌ها بود. الآن خیلی آسان شده است و به زندگی راحت مردم کمک می‌کند. باید جایی باشد که از این سرمایه‌ها نگهداری شود.

### 4.3-دلیل سوم: آسان شدن ارتباطهای مالی بین بلاد دور

دلیل سوم این است که بانکها وسیله خوبی برای نیازهای مردم هستند. هرچه زندگی مردم جلوتر بیاید، نقل و انتقالها بیشتر و بهتر می شود. دور بودن بلاد می طلبد که بین آنها ارتباطی باشد.

### 4.4-دلیل چهارم: رونق گرفتن اموال راکد

چهارمین ضرورت بانک این است که بانکها جای خوبی برای تجمیع اموال و سرمایه مردم است. به شرطی که هرج و مرج رخ ندهد و خوب اداره شود. اموال راکد مردم به وسیله بانکها رونق می گیرد.

### 4.5-دلیل پنجم: تجمیع و هدایت سرمایه های افراد ضعیف

دلیل پنجم این ضرورت این است که ما سرمایه های سرگردان، یا راکد داریم که اینها باید به ارزش مبادلاتی منجر شود. عده ای ناتوان از کار هستند، ولی پول دارند؛ به خاطر صغر سن، یا سفاهت، یا کبر سن نمی توانند کار کنند؛ بانک، جای خوبی برای تجمیع و هدایت ثروت است.

### 4.6-دلیل ششم: اعطای تسهیلات به افراد توانمند بدون سرمایه

دلیل ششم بر ضرورت بانکها این است که بانکها می توانند تسهیلات بدهند. تسهیلات، دلیل بر ضرورت آنها است. کسانی که مدیر هستند و فاقد سرمایه هستند؛ افراد بی بضاعت با توان کاری هستند؛ اگر پولی داشته باشند، درآمد دارند.

### 4.7-دلیل هفتم: محل تبادل پول و ارزهای کاغذی و دیجیتالی

دلیل هفتم اینکه خود پول و ارز و ارزهای دیجیتالی به خصوص که در نظام اقتصادی بشر ضروری است، ضرورت بانکها را برای ما ثابت می کند.

### 5-لزوم آگاهی بخشی به مسئولین بانک و بورس برای جلوگیری از ربا

پس بانکها ضروری هستند، ولی باید مشروعیت پیدا کنند و بانکهای اسلامی با خصوصیت های قراردادهای اسلامی اداره شوند. بانک باید باشد، ولی باید اسلامی باشد. سودهای ربوی نباید باشد. در بیشتر بانکهای جهانی، سودها ربوی است. ممکن است در خیلی معاملات بورس، مشروع نباشد، ولی با یک آگاهی برای بورس بازها و کارگزاران مسأله حل شود. باید به آنها عقود شرعی را آموزش دهند. تجمیع سرمایه را که نامش بانک می گذاریم، از ملاک ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ [11] استفاده می کنیم. ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ

وَالْعُدْوَانِ ﴿١٢﴾ [12] شامل نفی ربا در بانک‌ها می‌شود. به بانک امر داریم و از ربا نهی داریم. بین این باید و نباید و مشروعیت و عدم مشروعیت، باید مدیریت کنیم. بحث بانک اسلامی از قبل مطرح بوده است. برخی فقها چون النادر کالمعدوم بوده است، گفته‌اند نباید بانک باشد، تا مبتلا به ربا نشویم، ولی ما می‌گوییم باید بانک داشته باشیم، اما باید غیر ربوی باشد. اقتصاد اسلامی، دستش باز است.

در سود از تأخیر و دیرکرد شکی نیست که ربا است، مگر اینکه قرارداد جدید باشد و با شرط، عده‌ای را مدیون کنند.

خدمات‌های خوبی بانک‌ها ارائه می‌کنند که ان شاء الله جلسه بعدی عرض خواهیم کرد.

---

[1] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ۱، ص ۲۰۴، خطبه ۱۹۳.

[2] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۶۴، ص ۳۱۰.

[3] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۶۹، ص ۷۰.

[4] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۶۹، ص ۷۰.

[5] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۸۴، ص ۲۸۸.

[6] یونس/سوره ۱۰، آیه ۶۲.

[7] نهج الفصاحة، یابنده، ابوالقاسم، ج ۱، ص ۳۲۷.

[8] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱، ص ۳۸۱، أبواب آداب الحمام والتنظيف والزينة، باب ۲۲، ح ۳، ط الإسلامية.

[9] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ۱، ص ۳۸۷، حکمت ۴۷۴.

[10] واژه بانک در زبان انگلیسی میانه از زبان فرانسوی میانه (banque) ، و آن هم از واژه ایتالیایی قدیمی banca ، و آن نیز از واژه آلمانی بسیار قدیمی banc ، bank ، "bench.counter" گرفته شده است Bench. ها (نیمکت‌ها) به عنوان میزها یا شمارش‌گرهای مبادله در حین دوره رنسانس توسط بانکداران فلورانتین مورد استعمال قرار می‌گرفتند که مذاکرات و مبادلاتشان را پشت میزهایی انجام می‌دادند که با رومیزی‌های سبز رنگ پوشیده شده بود. منبع: سایت ویکی پدیا، مدخل: بانک

[11] مائده/سوره ٥٥، آيه ٢.

[12] مائده/سوره ٥٥، آيه ٢.